

بسمه تعالی				مرکز مدیریت حوزه های علمیه	
امتحانات ارتقایی – مرداد ۱۳۹۶				معاونت آموزش	
نیم سال دوم				امتحانات کتبی	
موضوع:	فقه ۲ ب ۲	پایه:	۴		
تاریخ:	۹۶/۰۵/۲۲	ساعت:	۱۰:۳۰		
نام کتاب: شرح لمعه، از الفصل السادس فی كفارات الامرام تا كتاب المتاجر					
لطفاً به همه سؤالات تستی و ۸ سوال تشریحی پاسخ دهید، در صورت پاسخ به همه، به سوال آخر نمره داده نمی شود (تستی ۱ و تشریحی ۲ نمره)					

تستی

۱. المعتبر فی الشروط المعتبرة فی الشهادة العداوة الدنيویة.
 - أ. وقت التحمل و لا تمنع ☐ ب. وقت الأداء و لا تمنع ☐ ج. وقت التحمل و تمنع ☐ د. وقت الأداء و تمنع ☒
۲. كفارة شهر رمضان فی أجود القولین كفارة
 - أ. معينة ☐ ب. مخيرة ☒ ج. مرتبة ☐ د. جمع ☐
۳. القضاء و الحكم بین الناس فی حق الصالحین له مع عدم حضور الامام عليه السلام.
 - أ. مستحب عیناً ☐ ب. مستحب كفاية ☐ ج. واجب عیناً ☐ د. واجب كفاية ☒
۴. کدام گزینه درباره «یمین» صحیح است؟
 - أ. وجب علی الحاكم ترغیب الحالف فی ترك اليمين ☐ ب. ينبغي تغليظ اليمين بالقول و الزمان و المكان ☒
 - ج. وجب تغليظ اليمين فی الحقوق الموجبة لقطع اليد و ما فوقها ☐ د. يجب علی الحالف الإجابة إلى التغليظ ☐

تشریحی

* إتياع مشيئة الله تعالى لليمين يمنع الانعقاد و إن عُلمت مشيئته لمتعلقه مع اتصالتها به عادةً و نطقه بها و قصده إليها عند النطق بها و إن انتفت عند اليمين دون العكس. ۶۶/۲

۱. عبارتهای «و إن عُلمت مشيئته لمتعلقه» و «دون العكس» را توضیح دهید.

«و إن عُلمت»: یعنی حتی اگر کاری باشد که می دانیم قطعاً خداوند انجام آن کار را می خواهد، اما در عین حال تابع کردن یمین به مشیت الله مانع انعقاد یمین است. دون العکس: یعنی اگر در وقت صیغه قسم، قصد «إن شاء الله» گفتن داشته باشد اما در موقع گفتن «إن شاء الله» آن را به عنوان قصد تعلیق نگویید - مثلاً بقصد تبرک بگوید - در این صورت قسم صحیح است.

* يجبر الشريك على القسمة لو التمس شريكه القسمة و لا ضرر و لا رد. ۱۰۵/۲

۲. مقصود از «ضرر» و «رد» را بنویسید.

ضرر: نقص قيمة الشقص بها عنه منضمّاً - نقصاً فاحشاً - . (یا مطلق نقص القيمة یا عدم الانتفاع به منفرداً) (هر کدام باشد صحیح است)
رد: دفع عوض خارج عن المال المشترك من أحد الجانبين.

* يجوز قتل الترس ممن لا يقتل كالنساء و يكره التبييت و أن يعرّب المسلم الدابة و تجب مواراة المسلم المقتول فی المعركة.

۳. معنای کلمات مشخص شده را بنویسید. ۱۹-۲۰/۲

- أ. الترس: سپر - کسی که سپر قرار داده شده ب. التبييت: شیخون زدن
- ج. يعرّب: پی کند (مسلمان مرکب خود را) د. مواراة: دفن کردن، پنهان کردن در خاک

* (من نتف ريشة من حمام الحرم فعليه صدقة بتلك اليد) الجانية و ليس فى العبارة أنّه نتفها باليد حتّى يشير إليها بل هى أعمّ لجواز نتفها بغيرها و الرواية وردت بأنّه يتصدّق باليد الجانية و هى سالمة من الإيراد. ٥٦٧/١

٤. أ. اشكال شهيد ثانی بر مصنف را بنويسيد. ب. عبارت «و الرواية...» اشاره به چه مطلبی دارد؟ توضیح دهید.
أ. اشكال آن است که چرا مصنف فرمود: «تلك اليد»، در حالی که قبلاً در عبارتش صحبتی از «دست» نکرده بود که اکنون با کلمه تلك به آن اشاره کند و عبارت ایشان کندن پر حیوان را با هر وسیله‌ای شامل می‌شود.
ب. اما این اشكال به روایتی که حکم مسأله را بیان می‌کند وارد نیست؛ زیرا در آن حدیث تنها فرموده‌اند: «باليد الجانية» و در آن کلمه «تلك» نیامده تا با این اشكال مواجه شویم.

٥. «باغی» کیست و چه حکمی دارد؟ ٣١/٢
من خرج على المعصوم من الأئمة... فهو باغٍ يجب قتاله حتى يفىء إلى طاعة الإمام أو يقتل.
* الأقرب احتیاج النذر إلى اللفظ فلا يكفي النية في اعتقاده و إن استحبّ الوفاء به لأنّه من قبيل الأسباب والأصل فيها اللفظ و لأنّه فى الأصل وعد بشرط أو بدونه و الوعد لفظي و الأصل عدم النقل. ج ٦٢/٢

٦. أ. ادلة لزوم لفظ نذر را بیان کنید. ب. منظور از «الأصل عدم النقل» در اینجا چیست؟
أ. ١. نذر از قبیل اسباب (عقود و ایقاعات) است و اصل در اسباب وجود لفظ است. ٢. نذر در لغت وعده دادن است و وعده نیز امری است که با لفظ تحقق می‌یابد. ب. اصل عدم نقل است یعنی لفظ نذر به معنی لغوی خود باقی است و لفظ (صیغه) در آن شرط است.

* لا يصحّ الوقف على المعدوم ابتداءً بأن يبدأ به و يجعله من الطبقة الاولى فيوقف على من يتجدّد من ولد شخص ثمّ عليه مثلاً و يصحّ تبعاً بأن يوقف عليه و على من يتجدّد من ولده. ١٤٥
٧. وقف بر معدوم در چه صورتی صحیح و در چه صورتی باطل است؟

صورت باطل: ابتداءً وقف برای مورد معین قرار دهد به این صورت که معدومین را جزء طبقه اول وقف قرار دهد و در طبقه دوم بر موجودین وقف نماید. صورت صحیح: این است که وقف را ابتداءً بر موجودین قرار دهد و معدومین را به تبع آنها قرار دهد.

* العمرة مستحبة مع قضاء الفريضة فى كلّ شهر و فى التقيد بقضاء الفريضة إشارة إلى عدم جوازها ندباً مع تعلّقها بذمّته وجوباً لأنّ الاستطاعة للمفردة ندباً يقتضى الاستطاعة وجوباً غالباً. ٥٨٥/١-٥٨٤

٨. أ. تفهيد «استحباب عمره» به «قضاء فريضة» چه معنایی را می‌فهماند؟ ب. کلمه «غالباً» به چه مطلبی اشاره دارد؟
أ. یعنی اگر عمره مفردة واجب به گردن شخصی بود، نمی‌تواند عمره مستحبی به جا آورد ب. غالباً کسی که بتواند عمره مستحبی انجام دهد متمکن از انجام عمره واجب هم خواهد بود اما گاهی می‌شود که عمره مستحبی ممکن است اما عمره واجب بر شخص لازم نشده است (مثل این که کسی با تکلف و مشقّت عمره مستحبی انجام می‌دهد اما چون خرجی قطع مسافت ندارد عمره بر او واجب نشده است).

* إذا رجع الشاهدان فيما يعتبر فيه الشاهدان أو الأكثر حيث يعتبر قبل الحكم امتنع الحكم لأنّه تابع للشهادة و قد ارتفعت و لأنّه لا يدري أصدقوا فى الأوّل أو فى الثانى. ٢/١٣١
٩. مسأله را به همراه دو دلیل آن توضیح دهید.

أ. اگر دو شاهد یا بیشتر از دو شاهد - در مواردی که بیش از دو شاهد معتبر است از شهادت خود برگشتند ممتنع است حاکم حکم کند چون حکم تابع شهادت است و شهادت مرتفع گردیده حاکم نمی‌داند شاهد در شهادت اولیه صادق است یا در رجوع از شهادت.